

تأثيرات انقلاب مشروطيت در پيشرفت نثر ايراني

استاد يار. د. رؤوف محمود سعيد

دانشگاه سلیمانیه/ دانشکده پرورش چمچمال

تاریخ نشر البحث : ۵ / ۶ / ۲۰۱۶

تاریخ استلام البحث : ۲۰ / ۱۲ / ۲۰۱۵

چکیده

ایران از آغاز قرن نوزدهم با قدرتهای اروپایی در هند ، با امور اروپایی در گیرگردید . حکام ایران پس از شکست از روسیا ، از عقب ماندگی امپرا توری خود درمقایسه با همسایگانشان آگاه شدند . در میان آنهایی که این مسأله را بخوبی دریافته بودند میرزا تقی خان امیر کبیر بود . او ، وقتی که ناصرالدین شاه در سال ۱۸۴۸م به سلطنت رسید صدر اعظم شد . میرزا تقی خان یکی از بزرگترین ایرانیان ایام اخیر بود که برای اولین بار برای بر آورد نیازهای اصلاحی ایران بکار پرداخت . ادبیات نثرنوین فارسی ، يك قسمت برای انتشار این نیاز ویک قسمت هم برای ارضای آن ، شروع گردید . نهضت انقلابی طبعاً در حیات ادبی کشور نیز منعکس شد و به زودی گروهی از شعرا و نویسندگان به اردوی آزادیخواهان پیوستند و با آغاز مشروطیت فرصت آن را یافتند که آزادانه و آشکارا از راه قلم به پیکار برخیزند . در روزنامه ها تمرکز یافت و بدین طریق ادبیات عهد انقلاب در چهار چوبه تنگ جراید ، که تنها وسیله نشر عقاید بودند ، محصور ماند . پس از اعلام مشروطیت و آزادی مطبوعات شماره روزنامه ها روبه فزونی نهاد و ده ها روزنامه در تهران و رشت و تبریز و دیگر شهر ستانهای ایران انتشار یافت . قائم مقام و پیروان او در نثر فارسی بخوبی پدید آوردند ، هرچند گرایش به سادگی داشت ، بازبر همان پایه های سبک قدیم نهاد شده بود . و همه نویسندگان این دوره ، در روشن کردن افکار پیشرفت دانش و فرهنگ جدید سهم کافی داشتند . در این میان کسانی که به فرنگ رفته بودند با ارمغانهایی از اندیشه های جدید غربی به کشور بازگشتند و با پیشرفت فن چاپ ، کتب تاریخی ، علمی و ادبی به فارسی و عربی منتشر شد .

مدرسه دار الفنون بامساعي امير كبير ايجاد شد و معلمين اروپايي به كمك شاگردان ايراني خود براي رفع احتياج دانش آموزان ، كتب علمي وفني ونظامي را به فارسي ترجمه كردند در خارج از محيط دار الفنون كتب تاريخي و داستانهائي زياد به وسيله مترجمين عهد ناصري ترجمه و چاپ شد و مترجمان خواه ناخواه از سادگي متون اصلي تبعيت كردند و با اين ترجمه ها وانتشارات مقالات در جرايد چاپ ايران وخارجه و كه ورود كتب ورسالات نويسندگان ايراني مقيم خارجه ، كوششهايي كه براي پيراستن زبان از الفاظ غليظ و تركيبات نا هموار ، از مدتها پيش آغاز شده بود ، به ثمر رسيد و نويسندگي منشيانه و پرفريد و تكلف قديم ، با آن سجعها و مراعات النظيرها واستشهاد به احاديث واقوال بزرگان عرب وعجم ، در برابر سبل تجدد ، عقب نشست وجاي خود را به نويسندگي ساده و روان و موجز ومفهوم داد .

پيشگفتار

(۱) عنوان پژوهش :

در ابتدا موضوع را كه انتخاب كرده ام ، (تاثيرات انقلاب مشروطيت در پيشرفت نثر فارسي) البته ادبيات ايران قبل از مشروطيت در واقع نوعي ادبيات رسمي بود . ادبيات بعد از مشروطيت تحت تاثير فعل وانفعالات مختلف سياسي واجتماعي واقتصادي وفرهنگي مخاطبين بيشتر پيدا كرد زبان ادبيات نيز متحول گرديد ، زبان محاوره اي خصوصا در نثر جاي ويژه اي پيدا كرد . نثر در اين دوره پيش از شعر نو آن توسعه يافته وآثار متعددي عرضه كرده است .

(۲) موجب اختيار اين پژوهش :

علت انتخاب اين پژوهش گامي جديد براي شناخت بيشتر برتاثيرات انقلاب مشروطيت در پيشرفت نثر فارسي تا خوانندگان بدانند ، كه انقلاب مشروطيت دگرگوني به نثر فارسي ايجاد كرده ، و نويسندگان اين دوره نثري جديدي پديد آوردند .

۳) افزاري که در پژوهش بکاري روند :

منابعي که در اين پژوهش از ائان استفاده کرده ام کتابهاي که درباره مشروطه ونثر نویسندگان بزرگ اين دوره ايراني وغير ايراني نوشته شدند .

۴) روش اعداد پژوهش :

وصفي تحليل است . بنده جستجو جو کردم در منابع ومآخذ ايراني وغير ايراني وبررسي درباره اين دوره و نویسندگان آن ، واز برخي کتابهاي درباره اين دوره که درست است تا يك پژوهش بنويسم .

۵) اهميت اين پژوهش :پس هدف بنده از اين بحث نوشتني موضوع در باره انقلاب مشروطيت وتأثيرات غرب در

پيشرفت نثر فارسي وتحولاتي که بر آن طي سالهاي انقلاب رخ داده وهمچنين درباره برخي از نویسندگان برجسته فارسي دوره مشروطه است تا خوانندگان ارجمند ايراني بتوانند درباره اين دوره وتحولات نثر فارسي آن اطلاعاتي پيدا بکنند

۶) ترتيب کردني پژوهش به اين طور است :

بنده به طورمختصر اين بحث را آماده کرده ام ، پس هدف من آن بود که تأثيرات انقلاب مشروطيت درپيشرفت نثر فارسي بنمايش بگذارم، تا خوانندگان بدانند که مشروطه چه تأثيرات کرده است بر نثر فارسي و پيشرفت آن .

واين بحث حاوي سه بخش است .

بخش اول : انقلاب مشروطيت وتأثيرات غرب در پيشرفت نثر فارسي

بخش دوم : تحولاتي در نثر فارسي در سالهاي انقلاب و به بعد از آن

بخش سوم : برخي از نویسندگان برجسته ايران در دوره مشروطه .

بخش اول :

انقلاب مشروطیت و تأثیرات غرب در پیشرفت نشر فارسی .

در سده سیزدهم هجری اروپا با شتابی شگفت آور پیش می رفت . کارخانه ها و هنرکده ها و دانشگاهها پیوسته بیشتر و کاملتر می شد و به موازات آن آشنایی ملتها نیز بایکدیگر افزایش می یافت و این پیشرویها چنان آوازه یی بر پا کرد که شاهان قاجار را نیز هوای فرنگ در سر افتاد و در پایان آن قرن ناصرالدین شاه برای نخستین بار رهسپار اروپا گردید و از آن پس چنین سفر هایی تکرار شد . این سفرها هدف روشنی نداشت اما اندک اندک به شاه و دیگر کارگزاران سرزمین ایران باز نمود که ((تفاوت ره از کجا ست تا به کجا)) (۱) در سده سیزدهم ، آمدو رفت گروههای نظامی و سیاسی از کشورهای اروپا به ایران مایه آشنایی مردم با پیشرفت مغرب زمین شد . (۲) و هرچند این مأموران دلشان به حال ایرانیان نسوخته بود ناخواسته سبب شدند که ایرانیان از فرهنگ و صنایع و شیوة حکومت اروپا بیشتر آگاه شوند . آن روزها ناپلئون می خواست دست روسها را از سرزمین ایرانیان کوتاه کند و خود جای آنها را بگیرد . سروان بن تان و ژنرال گاردان دوتن از افسران او بودند که هرکدام باگروهی به ایران آمدند . بن تان در تبریز را بزن سپاهی عباس میرزا شد و کمکهایی به او کرد . گروه گاردان - که بن تان با آنها نیز همراه بود - از راههای کشور نقشه برداری کردند و مطالعات دیگری انجام دادند که نتیجه روشنی برای ما نداشت پیداست که در چنین هنگامی روسها نیز از پا نمی نشستند ، انگلیسها هم بافرانسه رقابت داشتند و با اینکه ثبت هیچ کدام از آنها سربلندی ایران نبود ، آمدو رفتشان چشم و گوش بسیاری از ایرانیان را باز کرد و آنها را به جستن دانش و بینش تازه یی واداشت (۳) . دو دوره سلطنت پنجاه ساله ناصرالدین شاه و از همان ابتدای کار او عوامل و موجباتی پدید آمد که مجموعاً و هر یک به تنهایی در پیدایش اندیشه های آزادیخواهی مؤثر بودند .

اگر از اقدامات اولیه عباسی میرزا نایب السلطنه و وزیر با فرهنگ او میرزا ابو القاسم قائممقام در اخدوترویج فنون و صنایع جدید بگذریم ، باید اصلاحات میرزا تقی خان امیر کبیر و مخصوصاً تأسیس دار الفنون در سال ۱۳۶۸ هـ . ق به ابتکار و اهتمام او و دعوت آموز گاران خارجی جهت تعلیم علوم جدید اروپایی به فرزندان ایران را نخستین قدم در راه بشماریم (۴) ،

بعد از آن ، در سفر سيد جمال الدين افغاني به ايران در سالهاي ۱۳۵۴-۱۳۵۷ هـ . ق و تبليغات دامنه دار او برضد استبداد ولزوم اصلاحات و كوشش پيروان و ياران پرشور وي ، هر كدام در بيداري افكار ايرانيان اثرات قطعي داشتند . همچنين بايد ياد آور شد كه روشنفكران وآزاديخواهان ايران ، كه از مدتها پيش فقر مادي ومعنوي كشور را دريافته و نگران اوضاع بودند ، در خارج از كشور دست به قلم بردند و به وسيله روزنامه و كتاب به روشن كردن ذهن مردم و تربيت فكر آنان پرداختند . از اشخاص مؤثر در بيداري مردم ايران و پاشيدن تخم نهضت انقلابي (۵) .

ميرزا ملكم خان ناظم الدولة اصفهاني :

(لژ فراماسون) (ياچيزي شبیه به آن) در تهران تاسيس كرد و بعدها روزنامه قانون او ، كه در لندن چاپ مي شد و رساله هاي متعدد و بسيار مفيدش انقلابي در طرز فكر ايرانيان پديد آورد . ترجمه مقالات و نمايشنامه هاي ميرزا فتحعلي آخوندزاده و رسالات و اشعار ميرزا آقاخان كرماني و كتابهاي حاج ميرزا عبدالرحيم طالبوف ، كه اصول علمي واجتماعي را به زبان ساده بيان مي كرد ، و رمان اجتماعي حاج زين العابدين مراغي مقيم استانبول (۶) و جرايد فارسي كه در مصر وهند و استانبول منتشر مي شد و مراودات باز گانان آذر بايجان باعثماني و قفقاز و به خصوص جنگ روس و ژاپون كه در فوریه سال ۱۹۰۴م و شكست دور از انتظار روس از ژاپون كه در پنجم سپتامبر

سال بعد پور تسموئث امريكا شد و تكاني كه اين امر به افكار ايرانيان داد و پس از آن منجر به عقد قرار داد صلح در جنبشهاي پي در پي در روسيه تزاری كه در سال ۱۹۰۵م ، كمي پيش از انقلاب مشروطيت در ايران ، نخستين انقلاب روس را پديد آورد و انعكاس خبر آن به وسيله روزنامه ملاتصرالدين ، نماينده دموكراسي جوان قفقاز ، كه اين حوادث را با آب و تاب به گوش ايرانيان مي رسانيد ، و پيدايش جرايد و مجلات مفيد ومؤثر ديگر در قفقاز و انتشار آنها در ميان مردم آذربايجان - همه اينها يك رشته عوامل بود كه به تدريج و هر كدام در زمان خود ، در تار و پود سازمان فاسد اجتماع ايران رخنه كرد وظيفه حاكمه ايران از طرز اداره قديمي (۷) ، و همه مشروطه خواهان و هواداران آن از شاعران و روشنفكران واز طريق روزنامه نويسي شعور و وجدان مردم ايران را بيدار كردند واز خوبي وبدي آگاهي دادند . استعمار گران هميشه احساس مي كردند كه دموكراسي به نفع ايشان نيست ،

بزودي دموکراسي را در جاي خود خفه ميکردند ومهمترين دليل بر آن محمد علي شاه باکمک روس مشروطه خواهان ومجلس را به توپ و گلوله بمباران کرد . پس از سرنگوني محمد علي شاه بسياري از احزاب سياسي و انجمن هاي مختلف ومطبوعات آزادانه در ايران به ظهور آمدند ، انگليسيها وشوروي ها نخواستند که اوضاع اقتصادي واجتماعي ايران منظم ومستحکم بشود . اما ايران در مراحل اخير براي کمک و پشتيباني به آمريکايي آورد و در سال ۱۹۱۱م چند امتياز را به آمريکا داد (۸) .

در اوایل قرن سیزدهم هجري (سال ۱۷۸۹م) ، يعني چند سال پيش از درگذشت کریم خان زند و آغاز سلطنت محمد خان قاجاري انقلاب فرانسه در اروپا صورت گرفت ، علاوه بر آن پيش آمدهاي بزرگ و پيشرفت فن جنگ وپيدايشي اسلحه و ابزار نو نمايان شده (۹) . که ديريا زود کشور را در معرض بيع سرمايه هاي خارجي يا اشغال قريب لوقوع روس وانگليس مي گذاشت ، متوحش کردو مردم را براي قبول تحول اساسي در شکل اداره وانتخاب راه وروش نوين زندگي آماده ساخت وبدين سان ميل به دگرگون کردن وصنع کهنه وفرسوده زندگي اجتماعي ومدني ، که بذر آن همان نيمه هاي اول قرن سیزدهم هجري پاشيده شده بود ، به تدريج وتائي نشو ونموکرد و انقلاب مشروطيت را به وجود آورد (۱۰) . در ، آغاز انقلاب مشروطيت آلمانها بمنظور نقوذ سياسي و اقتصادي به صحنه ايران حرکت نمودند وخواستند که بوسيله راه اهن ارتباط ميان ايران و بغداد استوار بکنند وبتدريج بانک هاي آلماني گشوده شد . معمولاً اينها تبليغات

قريبانه به ايرانيها ارائه ميکردند که ايشان عليه انگليسيها و شوروي ها وبراي بنيا نگذاري دموکراتيک در ايران شرکت کرده اند ، ولي در حقيقت درست نمود . انقلاب مشروطيت پس از کشتن ناصرالدين شاه وآمدن مظفرالدين شاه به اوج خود ميرسد(۱۱) . بازهم حکومتهاي ملي در کشورهاي اروپا قرار گرديد ، شک نيست که سياست کشورهاي اروپايي که زاييده منافع اقتصادي آنان بود ، در اوضاع اجتماعي ايران تاثير بخشيد وورود هيئتهاي سياسي ولشکري واقدامات مهم که براي اصلاح سپاه ايران رخ داد ، وبرقراري ارتباط مستمربا اروپا تخم افکار نورا در سرزمين ايران پراکند (۱۲) نکته ي چشمگير است که نهضت تجدد خواهي از آذربايجان که با روسيه وعثماني هم مرزو به اروپا نزديکتر است ، شروع شد ، وتبريز (آزاديستان) مرکز مهم فعاليتهاي نظامي وسياسي ايران گرديد ، کم کم دانشجويان ومحصلان براي فرا گرفتن علوم مختلف به کشورهاي اروپا

(انگلستان ، روسیه ...) اعزام شدند ، وکارخانه های توپریزی و باروتسازي وپارچه يافي احداث شد ، اروپا براي بدست آوردن منافع خود همیشه به سمت ایران روي ميآورد ، ودر آخر ایران وبعثت تماس با اروپا چيزي مهم از تمدن آنها بدست آورد (۱۳) ناصرالدين شاه چندین بار به اروپا سفرکرد و باچشم خود پيشرفت وتمدن مشاهده کردید ، پيش از او عباسي ميرزا

وقائ مقام بزرگ اطلاعات خوبي از علم اروپا داشتند ، اين هردو با يك دلي و دلسوزي کوششي را آغاز کردند ، عباس ميرزا در سال ۱۲۲۶ هـ . ق . دو دانشجوي ايراني را براي تحصيل علوم به اروپا فرستاد و در سال ۱۲۳۰ هـ . ق . پنج تن ديگر را روانه مغرب زمين کرد (۱۴) برخي پزشک و برخي رشته معدن وغيره بودند ، گام مؤثر ديگري که عباس ميرزا برداشت ، پديد آوردن نخستين چاپخانه در ایران بود ، ونخستين کار خاتمه سلاح سازي را نيز ايجاد نمود ، و درشهر خود يك کارخانه ماهوت يافي براي جامه سپاهان پديد آورد ، علاوه بر آن دانشمندان و مترجمان برجسته را

نيز همواره به نگارش وترجمه ترغيب ميکرد . شايد تذکر است ، آمد و رفت گروههاي نظامي وسياسي از کشورهاي اروپا به ایران مایه آشناي مردم باپيشرفت مغرب زمين شد ، روز بروز ايرانيان از فرهنگ و صنايع اينها بيشتر آگاه شوند (۱۵) . در اين مدت رجال بزرگ و برجسته بروز کردند مانند ميرزا عيسي قائممقام بزرگ و پسر او ميرزا ابو القاسم و امير کبير و امير زنگنه وغيره ... ميرزا ابو القاسم در ادب وسياست صاحب نظر بود و خواست جامعه ايران را از دست استعمار و چپاول گران رها کند ، اينها اطلاعات خوبي از غرب بدست آوردند ، اين اطلاعات را بوسيله فکرو قلم ميان مردم ريختند ، باهم سياستمداران ايران احساس کردند که ايران هم به قانون و فرمانروايي قانون نياز دارد ، لذا به اين امر خيلي اهميت داده اند ومتخصصين را براي آن فراهم آوردند . در ايام ناصرالدين شاه مردی بنام محسن خان مشير الدوله بر کرسی وزارت نشست که او نيز شاگرد دار الفنون و بارها مأمور سياسي ايران در پترزبورگ و لندن واستانبول شده بود ، در سال ۱۳۰۹ هـ . ق . وزير عدليه شد وسعي نمود که دادگستري هرچه توانست منظمي پديد آورد (۱۶) . وزير ديگر باسم ميرزا علي سبكي است ، اوبه پيشرفت هاي مغرب زمين آشنايي زياد داشت و هنگامي که سر پرست پست و گمرک بود ،

در اصلاح این ادارات به کوششهای سودمند دست زد . امین الدوله در سال ۱۳۱۴ هـ . ق . به فرمان مظفرالدین شاه رئیس دولت شد ، شخص مزبور چندتا کار مهم و خ را انجام گردید ، به روزنامه آزادی داد ، وچندین مدرسه ساخت (۱۷) . علاوه برآن انجمن معارف را برای سرپرستی مدرسه ها پدید آورد . ناصرالدین شاه در سال ۱۲۷۴هـ . ش . علی قلی میرزا اعتضاد السلطنه را پسرفتحعلی شاه که مردی کتابخوان و دانشمند بود ، اورا رئیس دار الفنون انتخاب کرد ، او دسال ۱۲۷۵ هـ . ش نخستین تلگراف را از تهران به سلطانیه و تبریز کشید ، در سال ۱۲۸۳هـ . ش وزیر علوم شد ، علاوه برآن مدیریت روزنامه دولتی بعهدۀ خود بود ، کتاب فک السعادة یکی از نوشته های او است که عقاید خرافی را مردود ساخته و به مردم از رمال و جنگیر هشدار داده است (۱۸) .

بخش دوم :

تحولاتی در نثر فارسی در سالهای انقلاب و به بعد .

جای شک نیست که انحطاط ادبیات که از زمان صفویان آغاز شده ، دیگر ادامه نیافت و در زمان ناصرالدین شاه تحولاتی بزرگ و پیشرفتهای مهم در زمینه ادب از نصیب فرهنگ ملی شد . نکته چشمگیر است ، تأسیس چاپخانه و پیدایش مدارس به سبک اروپا در نیمۀ دوم قرن نوزدهم به تحول عمیق در ادبیات ایران منجرگردید و دو عامل در این امر تأثیر گذاشت : گسترش دامنه نثر فارسی و پیدایش ترجمه های بسیار ، در جراید و مجلات ملا حظه گردید (۱۹) . نثر فارسی بر اثر ارتباط با ادبیات خارجی بویژه ادبیات فرانسه ، عامیانه تر و ساده تر شد ، قائممقام فراهانی به این کار شروع کرد و تکلفات در مکاتبات اداری کم مشاهده ، و انواع تازه و جدید که قبلاً ناشناخته بوده ، پدید آمد ، در ابتدا رمان و سپس داستان کوتاه است . اینجا میتوان گفت : نثر مقامی بهتر و پیشتر از مقدم شعرمیان مردم به وجود آورده است (۲۰) واز عوامل آن این است .

اولا - چاپخانه از آغاز قرن هفدهم در ایران راه را جست پیش از همه و از ایرانیان ، کشیشان کرمی در سال ۱۰۱۲ هجری قمری (۱۲۰۷ میلادی) ماشین های چاپ را به اصفهان آوردند ، در سال ۱۲۴۱ میلادی ارمنیان نیز به نوبۀ خود ، چاپخانه ای در جلفای اصفهان تأسیس کردند ، مسلم است ، این کار ظاهراً منحصر به غیر مسلمانان بود (۲۱)

شاهزاده روشنفکران عباس امیرزا در سال ۱۲۲۷ هـ . ق مقارن ۱۲ ، ۱۸۱۱م نخستین دستگاه چاپ فارسی را باحرف سربی در شهر تبریز نصب کرد . در سال ۱۲۳۳ هـ . ق زین العابدین تبریزی اسباب چاپی به تبریز آورد ، نخستین کتابی به حروف عربی چاپ شد ، مصنف کتاب ابو القاسم قائم مقام بود ، آن کتاب شامل داستانهای جنگ که در سال ۱۳۲۷ هـ . ق میان روسی و ایران صورت گرفت . استاد مجتبی مینوی معتقد است که دستگاه چاپی که میرزا صالح باخود از انگلستان آورده ، اولین مطبعه ای بوده برای چاپ کتابهای فارسی در سرزمین ایران دایر شد (۲۲) . ناصرالدین شاه و محمد میرزا ولیعهد به این کار ملت را ترغیب و تشویف کردند . شک نیست که این اقدام به پیدایش و گسترش افق ادبیات مخصوصاً داستان کوتاه و رمان منجر شده است . این پدیده که مستقیماً به پدیده ترجمه آثار اروپائی مربوط میشود . البته آشکار است که در بعض روزنامه ها ، داستان های کوتاهی به چاپ رسیده است ، نشریات ادبی نیز ترجمه چند رمان را میتوان یافت . به هرحال چاپ ، مطبوعات و ترجمه رول مهمی را در گسترش افق ادبیات و افهام و بیداری مردم ایفا کرده اند (۲۳) .

ثانیاً : مدارس ، بویژه (دار الفنون)

میتوان گفت : در همه جای دنیا مدارس نقطه آغاز تحول و دگرگونی مثبت بوده اند ، در ایران از آغاز تأسیس مدارس نو پدید آمد . اما از بهترین ، بزرگترین و عالیترین مدرسه ای که در ایران بوجود آمد ، مدرسه عالی دار الفنون بود ، مسلم است دار الفنون یکی از علل انقلاب فکری و ادبی ایران میباشد . اولین کسی که به فکر تأسیس یک مدرسه عالی بر اساس سیستم اروپائی عباس میرزا بود (۲۴) افتتاح رسمی دار الفنون در سال (۱۸۵۱م) بود ، اما تعداد دانشجویان مدرسه مزبور در ابتدا در حدود سی دانشجو بود ، بعداً بین ۱۵۰-۱۰۰ رسید ، این مدرسه در آغاز یک مدرسه فنی بود ، رفته رفته رشته های ادبی را نیز در برنامه های خود از ادبیات خارجی که ترجمه شد گنجایند در سال ۱۳۰۰هـ . ق نخستین مدرسه نظامی در آصفهان به دست شاگردان پیشین دار الفنون برپا شد . بازهم در سال ۱۳۱۷هـ . ق مدرسه علوم سیاسی تهران گردیده است نکته چشمگیر اینست که اینها یک روز بزرگ و مؤثر در ترجمه کتابهای مختلف از زبانهای خارجی بازی کردند و در آخر این کار به پیشرفت ایران منجرگردید (۲۵) .

ثالثاً - روشنفکران :

در سرتاسر قرن نوزدهم برخی از شخصیت های برجسته ، فرهنگ استوار و استعداد ادبی خارق العاده خود را در خدمت افکاري کاملاً نو گذاشتن و بدینسان سر نوشت ایران را رقم زدند . نتایج خود شان از اصلاح طلبی و آزادی به انقلاب مشروطیت منجر گردید ، واز آنها همچنین اند ۱- رضا مکی خان هدایت و ۲- آخونده زاده و میرزا ملکم خان (۲۶) .

رابعاً - ترجمه ها :

به زمان عباسی میرزا یکی از نخستین دانشجویانی که از انگلستان بازگشته بود به نام میرزا رضا مهندس آثار تاریخی ولتر ، یعنی بطرس کبیر وشارل دوازدهم را از انگلیسی به فارسی گرداند ، وکار اوباتحسین وتمجید رو با رو شد .

بعداً کار ترجمه به آثار فرانسوی و مخصوصاً تاریخ ناپلئون اول منجر گردید ، امیر کبیر در کنار دار الفنون ، دار الترجمة را تأسیس کرد علاوه بر رول دار الفنون در زمینه ترجمه مدارس دیگری نیز دست به کار ترجمه های فنی و علمی زدند ، بویژه مدرسه نظامی یا مدرسه سیاسی که مترجمان بسیار کاردانی از قبیل مشیر الدوله یا ذکاء الملک را به استخدام خود در آورده بودند (۲۷) . در این مدن کتابهای مختلف را از زبانهای متعدد به زبان فارسی ترجمه شد .

خامساً - مطبوعات :

اشکار است که کار ترجمه و ترجمان و تأثیر شان در ادبیات معاصر فارسی ، بویژه در قلمر و رمان تاریخی مشهور گردید و به سرعت در روزنامه ها ونشریات ادبی نشري یافت ، پس از پیشرفت صنعت چاپ تعداد مطبوعات بیشتر شد (۲۸) . طنز مقالات دهخدا که به نام - چرند و پرند - منتشر میشد خیلی نیشدار است و واقع اجتماع را معالجه کرد و بازهم برای نشر افکار تازه خیلی مؤثر بود . نگفته نماند که رول یرخی از نویسندگان و روشنفکران و صاحب قلمان که دور از میهن بودند ، هرگز فراموش نمیشد زیرا که آن رول خیلی فعال در نشر آزادی و افکار انقلاب میان مردم بود ، وازمیان آنها عبدالرحیم طالبوف و میرزا آقاخان کرمانی بودند . ازهمه که پیش ذکر شده ، موضوع دیگر که خیلی مؤثر و فعال در نشر افکار و آزادی و حقوق انسان آنست ادبیات مشروطه که بعد ذکر خوا هشد . بهترین نمونه ای از شخصیت های برجسته آن مانند طالبوف و میرزا آقاخان کرمانی و زین العابدین مراغه ای بودند ،

نشریات ادبی نقطه تحول درتکوین و گسترش نثر جدید و بیداری ایران به شمار میرود (۲۹). روزنامه نگاری در دوره مشروطیت، نثر فارسی را از آسمان علین هنروتکنیک به حیطه زندگی روزمره - باهمه کاستیهایش - فروکشید. نثر روزنامه های دوره قاجار از نظر دستور زبان قابل انتقاد است (۳۰) ولی این نثر بسیار ساده و در بیان مفاهیم خود راه خطا نرفته است، تأریخ تحول این نوع نثر - که آن را باید پدر زبان قصه نویسی بحساب آورد - به اواسط سلطنت ناصرالدین شاه برمی گردد. در این زمینه اگر نثر ساده (باتلفیقی از تکنیک) قائم مقام را کنار بگذاریم، بابدبگویم که این نوع نثر با آثار نویسندگانی چون عبدالرحیم طالبوف تبریزی، و حاجی بابای اصفهانی جیمز موریه توسط میرزا حبیب اصفهانی شروع شد پیراه نخواهد بود اگر بگویم که چرند و پرند علی اکبر دهخدا (مجموعه ای از نوشته های سیاسی و اجتماعی او که در روزنامه صور اسرافیل ۱۹۰۷م چاپ می شد) آغاز تجربه در زمینه زبان قصه نویسی است. گو اینکه هدف دهخدا نوشتن قصه نبود ولی او در نوشته های خود توجه خاصی به مسأله لحن کرد یعنی قبل از او، هرفرد ایرانی به هر طبقه ای که تعلق داشت، در قصه و نوشته های روایی باهمان زبانی که نویسنده بکارش می برد صحبت می کرد - محمد علی جمالزاده که در قصه های کوتاه خود تاحدی به مسأله لحن توجه کرده بدون شك تحت تاثیر دهخدا بوده است (۳۱) در دوره فترت بین نهضت مشروطیت و ظهور نثر جدید (یکی بود یکی نبود) جمالزاده د سال ۱۹۲۲م پدید آمد.

نوشتن مقالات سیاسی، اجتماعی و انتقادی در روزنامه های این عهد بشدت رواج دارد و دارای نوع ویژه ای از نثر است که باید آن را باعنوان ((نثر مقاله ای)) نامید؛ احتمالاً مهمترین نمونه این نوع نثر، نثر محمد علی فروغی است که دریک آن هم ساده وهم پیچیده است؛ در نثر او واژگان باوسواس عجیبی انتخاب شده است (۳۲). در آواخر قرن نوزدهم سفرنامه ها افزایش یافت، خود ناصرالدین شاه دو سفرنامه منتشرکرد. نویسنده ای که روزنامه سفرکر بلا را برای چاپ آماده کرده بود از يك سبك ساده استفاده كند تامبادا این تصور پیش بیاید که شاه ایراداتی از نظر تعلیم و تربیت دارد. خود نویسنده توضیح داده بود که سبك این اثر فارغ از لفاظیهای پیش از حدو تجربه ای در ایجاز نویسی است تا برای عموم قابل فهم باشد. طبق نوشته دکتر خانلری، اگر این سفرنامه ها که بعض از آنها چاپ نشده است جمع آوری گردد اطلاعات (۳۳)

بسیار مهمی در خصوص مصنع سياسي و جغرافياي و در بارة افكار و عقايد سياستمداران بزرگ ايران در آواخر قرن نوزدهم عرضه مي کنند . در زمينه اطلاعاتي راجع به وضع ايران در آستانه انقلاب مشروطيت سال ۱۹۰۶م ، سياحتنامه ابراهيم بيگ بسيار مفيد است و نشانگر تحولي است در سفرنامه نگاري ، که براي کتابت آن از دربار دستور نگرفته است (۳۴) ترجمه در نهضت ادبي نوين ايران نقش سازنده اي داشت و ترجمه هاي نخستين از نمايشنامه ها کمک کرد تا تعصبات عليه کاربرد واژه هاي محاوره اي در آثار مکتوب از ميان برخيزد ، براي مدت چندين قرن هيچ کس حتي در خواب هم نمي ديد که باهمان زباني که صحبت مي کند بنويسد . زبان محاوره را براي نوشتن استاد مکتوب بسيار عوامانه و پست مي شمردند زمينه نثر نوين فارسي در سالهاي نوزده تاسي قرن بيستم تحت سلطه قصه کوتاه و نوول در آمده بود ، نوزايي ادبي با احياي معارف قرين شد (۳۵) . تصوير گويا بي از اينکه زبان فارسي نوين چگونه به صورت وسيله راستيني براي تأليفات علمي قرن بيستم در آمد در مقالاتي ديده مي شود که در مجلات ماهانه نظير سخن و يغما چاپ مي شد ؛ خصوصاً در مقالات مجتبي مينوي که در زبان فارسي او در عين حال که در سطح بالايي قرار گرفته ، آگاهانه در انتخاب بعضي از فرازها تحت تاثير زبان انگليسي بوده است .

در اينجا يايستي ذکر کرد که مجلاتي چون سخن و يغما نقش مهمي در زمينه تحقيقات و نقد ادبي ايفاء کردند (۳۶) . مقالات حجازي تحول کامي را پيش کشيد . حجازي در بعضي از محافل به عنوان استاد نثر فارسي و بويژه به عنوان تکميل فارسي کوشيد ندو راه را براي سخن گستران روزگار آزادي هموار ساختند و چندين آنها نيز

دليرانه از آزادي سخن کننده قالب مقاله نويسي در ايران معروف بود ؛ در گفتارش از کساني ياد شد که در ساده کردن نوشته هاي گفتند ، نثر فارسي با گامهاي آن مردان به نقطه بي رسيد که يك سبک شناس اين صفات را در آن مي يافت :

۱- در شماره واژه هاي عربي کاهشي آشکار ديده مي شد . گويي ديگر کسي مانند نويسنده تاريخ و صاف و ميرزا مهدي خان منشي نادر شاه ، آوردن واژه هاي دشوار و دور از ذهن را نشانه دانش و فضل نمي شمرد (۳۷) .

نويسندگان دوره ناصري و بهتر از آنان سخن آوران عصر مظفري اندک اندک رنگ الفاظ خشک و نا آشنا را از آيينه زبان فارسي زدودند .

۲- عبارتهای وصفی و آوران صفت مفعولی به جای فعل ساده ، ناهماهنگی میان فاعل و فعل یانام وضمیر ، و دیگر خطاهای دستوری آشکار - که از بیما یگی منشیان و ناآشنایی آنها با ساختمان طبیعی زبان مایه می گرفت - در نثر ساده و آشنای تازه نیز درستی و روانی طبیعی جای گرفت با اینحال نثرهای ادیبان نیز از لغزشهای دستوری تهی نیست .

۳- بخوبی احساس می شد که نویسندگان خود را از مردم کوچه و بازار جدا نمی دانند و دیگر نمی کوشند که نوشته خود را موافق طبع فقیهان صدر نشین بپردازند ، همان دگر گونی که در آغاز پیدایی رمانتیسزم در فرانسه دیده شد و آرایشهای تعبیرات کلاسیک را بی اعتبار کرد ، در زبان فارسی نیز پدید آمد (۳۸) .

۴- واژه های زبان فارسی یاتازی تصرفی ناروا و دور از نیاز میکردند . این شیوه در نثر نو فراموش شد و فراموشی آن سبب گردید که واژه ها پیش از پیش به معنی خود به کار روند (۳۹) .

۵- نثر در این دوره ، واقعیاتی از زندگی و مسائل گوناگون آن باز گفته می شد و نویسندگان می کوشیدند که چشم و

گوش خواننده را بگشا یند تا خود در راه اندیشه نوتر و زندگی نیکوتر گام برآورد و دریابد که دولت و سازمان حکومت کشور در برابر او وظیفه یی برگردن دارند . اینگونه معانی در نوشته های قرنهای پیش اندک است و به کنایه و طنز بیان شده است (۴۰) .

۶- نکته تاز دیگری که در معنی نوشته ها می بینیم پیدایی یک رشته کار علمی و تحقیقی در زمینه ادبیات و علوم نظری است و در این کار کم و بیش خاورشناسان اروپایی پیشگام بوده اند .

۷- آثار طنز و لطیفه های انتقادی در ادبیات این دوره افزایش می یابد و برای پیدایی روزنامه ها ، مجله ها و داستانهای فکاهی و انتقادی می گشایند .

نثر طنز آمیز روزگار مشروطه در خدمت مبارزه سیاسی است و هدف آن سرگرمی و شوقی ساده نیست (۴۱) . یکی دیگر از ویژگیهای مهم ادبیات نوین روزنامه بود که وقتی که استعدادها ی نقادی دیگر انگیزه شدند و آگاهی سیاسی بالارفت ظهور این ویژگی ناگزیرانه بود ،

در این زمینه روزنامه های اروپایی و مطبوعات نوظهور اعراب بیشترین تاثیر را گذاشتند . اولین روزنامه کاغذ اخبار میرزا صالح شیرازی بود که یک روزنامه واژه به واژه ای

بشمار می رفت . به دنبال انقلاب مشروطیت سال ۱۹۰۶م رواج روزنامه های تاثیر گذار در ایران نشاتگر آگاهی ملت ایران بود . روزنامه صور اسرافیل وسیله ای برای نشریک سلسله از مقالات دهخدا بود که خود را دخومی نامید و بامقالاتی که به نام چرند و پرند معروف بود خدمات با ارزشی نسبت به ادیبان نوین ایران انجام داد (۴۲). تحوّل که قائممقام و پیروان او در نشر فارسی پدید آورد ند ، هرچند گرایش به سادگی داشت ، باز برهمان پایه های سبک قدیم نهاده شده بود (۴۳) . برای نشان دادن شکل نشر این دوره چند مثال از چند نویسنده مختلف این دوره می دهیم .

طالبوف در کتاب احمد می گوید : ((مگرچنگیزخان که بیست کرور ایرانی را از تیغ گذرانید ،عالم بود ! یامحمود افغان که نصف اصفهان را مقتول نمود شیمی و فزیکا می دانست ؟ جنگ قادسیه ویا توپسیرکان را پرافسورهای اعراب می کردند ؟ این همه قتال ونهت اموال واسیری نسوان واطفال تاریخی وطن مارا که از هیچ کدام تا شکست گنجه وتخلیه گرجستان وقفقاز ذره ای رشته غیرت نا متنبه نشد ، دیروز نبود ؟ وعهدنامه ترکمانچان حالا دستور العمل سیاسی دولت مانیست ؟ حاشا ثم حاشا ! ازین غفیده فاسد برگردید)) (۴۴) . ولی ((رویای کمبوجیه)) ((از کتاب)) ((مسالك المحسنين)) طالبوف کمی سنگین تراز کتاب احمد است ، بویژه موقعی که نشر می رسد به الواحی که کمبیز ، قهرمان داستان رویای کمبوجیه پیدا کرده است (۴۵) . ((بعد از آنکه زمین مسکن توباسایر افلاک تکوین خود را نمود ، قوه اثبات بر او دادم ، هوای نسیمی بدور او پیچدم ، فصول در بسته اورا مقرر داشتم ، در هوای نسیم تشکیل برف و تگرگ وتموج خلف کردم . آن وقت کره زمین را مثل سایرین استقلال دادم که در مدار خودبگردد هرچه دارد بخود بدهد واز خود بگیرد ، ومستعد تعیش حیوان بشود . در این دوره آدم را از خاک خلق کردم)) . مثال از دهخدا ، قسمتی از ((مکتوب از سمنان)) ((اینجاها الحمدالله ارزانی وفراوانی است ، اگرمرگ ومیر نباشد يك لقمه نان رعیتی داریم می خوریم می پلکیم ، مستبد میانمان کم است ، همه مان مشروطه ایم . راستی جناب دخو مشروطه گفتم یادم آمد ، الآن درست يك سال آزگار است که ماعمید الحکما را بوکالت تعیین کرده ایم . در این مدت هی روزنامه مجلس آمد هی ما باز کردیم ببینیم وکیل ما چه نطقی کرده ، دیدیم هیچی ، بازهم آمدهبازهم تجسس کردیم دیدیم هیچی)) (۴۶) .

بخش سوم :

برخي از نویسندگان برجسته ایرانی در دوره مشروطیت :

باید نام برخی از نویسندگان برجسته ایرانی ثبت بکنم که در این دوره آثار مهمی و تأثیر بسیار دارند و به سبب آن نثر پیشرفتی در ادبیات این دوره پدید آمد و آثار گوناگون نوشتند مثلاً :

آثار طنز و لطیفه های انتقادی در ادبیات این دوره افزایش می یابد و مردانی چون میرزا آقاخان کرمانی و دهخدا در این رشته کار می کنند و راه برای پیدایی روزنامه ها ، مجله ها و داستانهای فکاهی و انتقادی می گشایند (۴۷) ،

از کار های میرزا آقاخان در کتاب (رضوان) او از این گونه لطیفه ها بسیار است . این شیوه در ادب ایران بیسابقه نیست و نمونه های برجسته آن را در کارهای عبید زاکانی و داستانهایی که درباره دیوانه نمایانی چون بهلول و ملا نصرالدین و کریم شیریه یی و دیگران نوشته و گفته اند می بینیم و می دانیم که این شیوه از نظر پرورش خواننده و برانگیختن او در برابر ستم و بیداد گری و نادرستی بسیار مؤثر است و به همین دلیل در ادبیات جهان نوشته های طنزی و هجایی ارزشی بسیار دارد (۴۸) .

زین العابدین مراغه ای باسیاحت نامه اش ، نخستین موتوگرافی ایران را نوشته که البته باید آن را ((موتوگرافی فساد)) نامید . و ((عزاداران بیل)) ساعدی خود موتوگرافی دیگری از شاد است ؛ البته در سطحی روستایی و روائی . گرچه ((ساعدی)) موتوگرافی های دیگری نوشته است که در حد خود از استاد بسیار با ارزش عصر حاضر هستند (۴۹) در دوران بلا فاصله قبل از مشروطیت تحرك در شكل نثر ، بعلت تحرك در اندیشه پیدا شده است و همانطور که ((ذکرامیت)) در کتاب با ارزش خود تحت عنوان ((اندیشه های میرزا آقاخان کرمانی)) نشان داده است این تحرك در اندیشه ، در نتیجه تماس شرق با غرب از نظر فرهنگی پدیدار است ، قائم مقام ، زین العابدین مراغه ای ، میرزا ملکم ،

سید جمال ، طالبوف ، میرزا آقاخان و بالاخره دهخدا ، هریک به مقتضای سلیقه و ذوق و تفکر خود از تماس فرهنگی شرق و غرب نوشته ها گرفته اند ؛ و شاید بطور ضمنی باین نکته توجه کرده اند که دیگر بازبان پرتکلف اسلاف بلا فصل خود نمی توانند از مسائل جدید سخن بگویند ؛ و بهمین دلیل محتوای تحرك فکری خود را در قالب نثر عصر خود ریخته اند (۵۰) ؛

نثري كه خواه در سطح عاميانه ((دهخدا)) وخواه در سطح تعليمي (طالبوف) ، وخواه در سطح مقاله هاو خطابه هاي پرهيجان (ميرزا آقاخان) ، وخواه در گزارش هاي بسيار دقيق از زوال و پوسيدگي (مراغه اي) . نثر ((كتاب احمد)) سخت جنبه تعليمي دارد ، و در عين حال بسيار دقيق و نوشته شده است ، گرچه كلمات عربي و گاهي آيه هاي قرآن و جملات عربي در آن ميتوان يافت ، ولي كتاب هرگز روح تعليمي خود را از دست نهد و طالبوف آنچه را كه از فرنگ ياد گرفته .

ولي ((رؤياي كمبوجيه)) از كتاب (مالك المحسنين) طالبوف كمى سنگين تر از نثر كتاب احمد است ، بويژه موقعي كه نثر مي رسد به الواحي كه كمبوتر ، قهرمان داستان رؤياي كمبوجيه پيدا کرده است . گاهي سجعهاي مستقل در نثر نسبتاً سنگين وتاحدي فلسفي طالبوف پيدامي شود ، ولي حتي نثر فلسفي او نيز ساده تر از نثر روائي نويسندگان سلف بلا فصل طالبوف است ؛ در عوض نثر ميرزا آقاخان نثر تهيج و تحريك وتشجيع است ، نثر مقاله هاي تاحدي پولميك)) ونثرگستافي است كه با قلب خواننده سروكار دارد ونه چندان با مغزش نثر جنگ وجدل و دعوا وجمله است ؛ ونثري است كه گاهي به نوعي شعر منثور مي ماند تا نثر به معنای دقيق كلمه . نثري است كه به دنبال تحرك وعمل و انقلاب وشور وهيجان مي گردد . نثريك روح انقلابي است كه بجاي آنكه بابصيرت مغز خود بيند يشد ، نثري است كه بي شباهت به تك گويي هاي قهرمانهاي شكسپير نيست (۵۱) طالبوف در راه ساختن و پروردن نسلهاي آينده دارد مي بينيم ، شيوة او اين است كه نو آموز مكتب خود را بالطيفه هاو قصه ها به آموختن وادارد و اگر بخوا هيد اين نكته را آشكار تر ببينيد كتاب احمد و ديگر نوشته هاي او را بايد بخوانيد . كتاب احمد دوبار در استانبول به سالهاي ۱۳۱۱ و ۱۳۱۹ هـ . ق چاپ شده و در اين سالها نيز در تهران جوانمردي همت به كار بسته و گرديده يي از همة آثار اين نويسنده را با عنوان كتاب احمد چاپ کرده است (۵۲) دومين نوشته طالبوف مسائل الحيات است كه خود او آن را جلد سوم كتاب احمد مي داند و در آن گفتگوهاي راپيش مي كشد كه باز گويي مسائل سياسي واجتماعي و ديني در سطحي بالاترو مناسب با رشد قهرمان كتاب احمد است .

طالبوف آثار مهمي ديگر دارد هنگامي كه مدرسة سياسي در تهران برپا شد ، دهخدا شاگرد يي آن راپذيرفت و در آنجا به مكتب محمد حسين فروني (ذكاء الملك بزرگ) راه يافت واز او بسيار بهره گرفت و چندان جلوه يي كرد كه ذكاء الملك براي رعايت برتري او

، گاهگاه وظیفه تدریس رابه اومي سپرد (۵۳) . در زمان مظفرالدین شاه یکی از مردان سیاسی آن روز - معاون الدوله غفاري - سفیر دولت ایران در کشورهای شبه جزیره بالکان گردید و دهخدا را باخود به اروپا برد ، در این سفر دهخدا دو سال در اروپا و بیشتر در وین بود و در کنار کارهای اداری به آموختن دانشهای تازه و یادگیری زبان فرانسه نیز می پرداخت (۵۴) در سال ۱۳۲۵ هـ . ق . دهخدا به ایران بازگشت و بجاهتگیرخان شیرازی و قاسم خان تبریزی - که گردانندگان نامه نامی صور اسرافیل بودند - آشنا شد و آن دو او را به باری خواندند و سردبیر نامه خود کردند . نثر دهخدا دو گونه است . در نوشته های سیاسی و اجتماعی بامردم به زبان خودشان گفتگو می کند ، اصطلاحات خود شان را می آورد ، به مثلهای خودشان اشاره می کند و از کسائی حرف می زند که مردم آن روز ، آنها را خود می شناخته اند و در دهایی را می گوید که همه میخوانند بگویند (۵۵) اما آنجاکه دهخدا لغتنامه می نویسد و میوه تحقیقات خود را به بازار می آورد ، زبانش زبان نویسندگان خراسان قدیم است و درکار او شیوه يك نویسنده روزگار سامانی باغزنوی را می بینیم که به همه سادگی برای خواننده چرند پرند نا آشناست .

نوشته ها و کارهای علمی او گوناگون است : ترجمه ، تحقیق ، تصحیح آثار گذشتگان و نوشته های ابتکاری در میان آنها دیده می شود .

ولی دهخدا در آغاز به نویسندگی نامور ساخت مقاله ها و نوشته های انتقادی کوتاهی بود که زیر عنوان چرند و پرند در نامه صور اسرافیل می نوشت (۵۶) میرزا آقاخان کرمانی روشنفکرو نویسنده دوره بیداری است ، دوتن از آزادیخواهان و روشنفکران ایران ، که چون تهمت بر آنان بسته بودند ، از ایران خارج شدند و تحت تاثیر تعلیمات سید جمال الدین افغانی قرار گرفتند ، شیخ احمد روحی و میرزا آقاخان کرمانی بودند که تلاشهای آنان و به خصوص نوشته های میرزا آقاخان در بیداری ایرانیان تأثیر بسزایی کرد (۵۷) .

میرزا آقاخان در استانبول با جریده اختر که مدیر آن آقا محمد طاهر تبریزی بود و در ایران و هندستان خواننده شد ، همکاری می کرد و مقالات بسیار در آن روزنامه نوشت .

میرزا آقاخان تألیفات گوناگون دار ، جنگ هفتادو : وملت ، ان شاء الله و ماشاء الله و دو تاریخ نامه باستان و آئینه اسکندری است .

میرزا آقاخان تألیفات دیگری هم داشته که چاپ نشده ، از جمله رساله صد خطابه (۵۸) .

شیخ احمد روحی ، از پیشوایان انقلاب فکری ایران پسردوم شیخ العلماء ملا محمد جعفر پیشنماز کرمانی ، در سال ۱۲۷۲ هـ . ق . در کرمان متولد شد . عربی و مقداری از فقه اصول و حدیث را در کرمان نزد پدر آموخت و چندی در مسجد ((میدان قلعه)) و مسجد میرزا جباره امام جماعت بود و برای مردم وعظ و خطابت می کرد . آثار او . شیخ احمد مردی فاضل و مطلع و هنر مندو باذوق بود و طبع شعری نیز داشت . تألیف مهم او هشت بهشت است ، کتاب هشت بهشت یکی از مآخذ عمده ادوارد براون ، خاورشناسی انگلیسی ، بوده است (۵۹) . میرزا حبیب اصفهانی یکی از ایرانیان روشنفکر باذوق و خوش قریحه و یکی از چندتن مردان قرن سیزدهم و اوایل قرن چهارده هم هجری است . که در تحقیق ادبی شیوه نسبتاً جدید و مثبتی پیش گرفتند . میرزا حبیب با شیخ احمد روحی و یاران او معاشرت داشت و در نهضت آزاد مردانی که برای بیداری ایرانیان در کوشش بودند ، همکاری می کرد . میرزا حبیب مردی ادیب بود . زبان عربی را نیک می دانست و زبان ترکی آشنایی داشت . زبان فرانسه را نیز در استانبول هنگام تدریس فارسی در مدارس آنجا آموخت و از این سه زبان در تدوین دستور زبان فارسی استفاده کرد و هم او بود که نخستین بار کلمه ((دستور)) را برای نام قواعد زبان باجای صرف و نحو اختیار کرد (۶۰)

در باب کتاب حاجی بابای میرزا حبیب ، تحقیقات جمالزاده اخیراً به این نتیجه رسیده که ترجمه این کتاب با آن عبارات شیرین و پخته و ممتاز و مشحون از لطایف ادبی جزبه قلم میرزا حبیب اصفهانی انجام نگرفته است . این کتاب که از زبان انگلیسی به فرانسوی و از زبان فرانسوی به فارسی ، با زبان عام فهم و خاص پسند و با اصطلاحاتی معروف و مشهور ترجمه شده است (۶۱) . در دوره فترت بین نهضت شروطیت و ظهور نثر جدید (یکی بود یکی نبود) جمالزاده در سال ۱۹۲۲ م . قابل ذکر است ؛ و نیز باید ذکرهم از نثر نوول - نویسان - نظیر مشفق کاظمی و عباس خلیلی که نوولهای اجتماعی و انتقادی می نوشتند - بمیان آورد (۶۲) . نوشتن مقالات سیاسی ، اجتماعی و انتقادی در روزنامه های این عهد بشدت رواج دارد و دارای نوع ویژه ای از نثر است که باید آن را با عنوان ((نثر مقاله ای)) نامید ؛ احتمالاً مهمترین نمونه این نوع نثر ، نثر محمد علی فروغی (متوفی ۱۳۲۱ هـ . ش .) است که در یک آن هم ساده و هم پیچیده است ،

در نثر او واژگان با وسواس عجیبی انتخاب شده است (۶۳). باجمال زاده نثر مشروطیت قدم در حریم قصه گذارد و حکایت های پیش از مشروطیت بسوی ابعاد چهار گانه قصه یعنی زمان ، مکان ، زبان وعلیت روی می آورند ؛

آخوندزاده ، یکی از سیاستمداران و پیشروان بسیار فعال تفکر ایرانی در قرن نوزدهم بشمار میآید . آخوندزاده به تحصیلات خود ادامه داشت و پس از تحصیل زبان روسی به تفلیس بازگشت و آنجا به پیش آهنگ تفکر جدید غربی در قفقاز آشنا شد بازهم در تفلیس نامبرده آشنائی گسترده ای با ادبیات و فلسفه اروپائی پیدا کرد ، آخوندزاده نخست به عنوان نمایشنامه نویسی شهرت یافت ، شش قطعه تئاتری که او از سال ۱۸۵۰م تا سال ۱۸۵۵م در تفلیس به سبک نمایشنامه های مولیر نیز در دارالفنون به اجرا در آمده بود (۶۴). آخوندزاده از واقعیت الهام را گرفت و در حقیقت با روشنفکران ایرانی مکاتبه ای مستمر داشت و از این راه افکار سیاسی واجتماعی او در نهضت مشروطه طلبی در ایران نشروسیعی یافت ، از موضوعات مهم که او مطرح نمود ، طنز است ، طنز آخوندزاده خیلی خشنی وتند و مؤثر بود و واقع اجتماعی از طریق آن منعکس ساخت (۶۵) بهر حال سهم افکار سیاسی آخوندزاده در تکوین افکار مشروطه خواهی در ایران چشمگیر است (۶۶).

درمیان روشنفکران سیاسی ایران میرزا ملکم خان بشمار میرفت شاید ذکر است که ملکم خان از وضع ناجور اجتماعی واز استبداد و رفتار شاهنشاهی خیلی نفرت و ناراحت شد . در اقامت خود در لندن روزنامه را به نام - القانون - دایر نمود و بوسیله این روزنامه توطئه و نیرنگهای استعمار و هواداران آن و مفساد و معایب اجتماع را در ایران و خارج فاش نمود وملت را علیه اغتشاش و مفاسه فراخواند ، وی همیشه قلم خود را برای خدمت ملت تسخیر کرده ، واین کار خیلی ثمر بخش بود .

نگفته نمائد که روش نویسندگی ملکم خان خیلی ساده و خالی از تکلف اسناد در وسط اجتماعی ویداری مردم خیلی تأثیر گذشت ، علاوه برآن درمیان ارباب مطبوعات صدر مشروطیت خیلی مقبولیت داشت (۶۷) . از شخصیت های ادبی وسیاسی دیگر میرزا علی خان امین الوله ، اعتماد السلطنه ومستشار الدوله بود ند ، این هرسه تاشخصیت کار مهم و خوبی به ادبیات انجام کردند و بویژه در زمینه روزنامه نویسی است (۶۸) .

يكي از نویسندگان برجسته ایرانی دیگر قائممقام فراهانی صدر اعظم محمد شاه و ولي نعمت تقی خان تکلفات مکاتبات رسمی را تغییر داد . جهان نوین هم چیز دیگری برای نویسندگی طلب می کرد : ناصرالدین شاه دو سفرنامه ها منتشر کرد ،

نویسنده ای که روزنامه سفر کربلا را برای چاپ آماده کرده بود مجبور شده بود از يك سبك ساده استفاده کند تا مبادا این تصور پیش بیاید که شاه ایراداتی از نظرتعلیم و تربیت دارد . میرزا صالح شیرازی یکی از نویسندگان برجسته ایرانی بود و یکی از نخستین دانشجویانی بود که برای تحصیل معارف جدید به اروپا و هند فرستاده شد (۶۹) .

يكي دیگر از نویسندگان تأثیر گذار ، علي دشتي است که موقعیت مهمی همراه با تعدادی از تحسین کنندگان ، کسب کرده است ، او قریحه هنری قابل توجه خود را وفق مطالعه دنیای زنان ، خصوصاً زنان طبقات بالای جامعه جدید تهران کرده است . کار دشتی در این طبقه متمرکز شده است . بنابراین او نیز يك نفر نویسنده اجتماعی است که مردم علاقه مند است وجوانب مختلف جامعه ای در حال انتقال را منعکس ساخته است (۷۰) .

مقالات حجازی تحول کاملی را پیش کشید ، حجازی در بعضی از محافل به عنوان استاد نثر فارسی و بویژه به عنوان تکمیل کننده قالب مقاله نویسی در ایران معروف بود ؛ فرهاد میرزا و اعتضاد السلطنه ، دو میرزاده از فرزندان نائب السلطنه ، مردان باسواد و فاضلی بودند و خوب می نوشتند و مخصوصاً اعتضاد السلطنه که مدتها وزیر انطباعات بود ، در روشن کردن افکار و پیشرفت دانش و فرهنگ جدید سهم کافی داشت (۷۱) .

درباره دهخدا طالبوف و دیگر نویسندگان روزهای انقلاب سخن داریم و خوب می دانیم که نثر بیدار کننده دوره انقلاب تنها در آثار این چندتن نیست . دیگران هم کارهای ارزنده ای در این را کرده اند اما هیچ يك دامنه کارشان بدین گستر دکی و سخنشان بدین گیرایی نبوده است .

این حال جادارد که درباره همه اینان کتابی بزرگ پدید آید و در آن هرچه گفتنی است گفته شود ، بدین امید این گفتار را پایان می دهم (۷۲) .

پاورقي

- ١- استعلامی ، د.محمد ، بررسی ادبیات امروز ایران ، ص ٣٠ .
- ٢- همان مأخذ ص ٣٢ .
- ٣- استعلامی ، د.محمد ، بررسی ادبیات امروز ایران ، ص ٣٣ .
- ٤- آرین پور ، یحیی ، از صباتانیمما ، ج ٢ - ص ٣١٤ .
- ٥- آرین پور ، یحیی ، از صباتانیمما ، ج ٢ - ص ٢٢٥ .
- ٦- همان مأخذ ص ٢٢٦ .
- ٧- آرین پور ، یحیی ، از صباتانیمما ، ج ١ - ص ٢٢٨ .
- ٨- ملیکف ، س ؛ استقرار دیکتاتوری رضا خان در ایران ، ص ٢٠ .
- ٩- بهار ، سبک شناسی باتاریخ تطور نثر پارس ، ج ٢ ، ص ٢٧٨ .
- ١٠- آرین پور ، یحیی ، از صباتانیمما ، ج ٢ - ص ٢٢٧ .
- ١١- مدنی ، تاریخ معاصر ایران ، ج ١ ، ص ٣٠ .
- ١٢- آرین پور ، یحیی ، از صباتانیمما ، ج ١ - ص ٥ .
- ١٣- همان مأخذ ، ص ٧ .
- ١٤- آرین پور ، یحیی ، از صباتانیمما ، ج ١ - ص ٦ .
- ١٥- استعلامی ، د.محمد ، بررسی ادبیات امروز ایران ، ص ٣١ .
- ١٦- استعلامی ، د.محمد ، بررسی ادبیات دوره بیداری ، ص ٧٣ .
- ١٧- کرمانی ، تاریخ بیداری ، بخش اول ، ص ١٤٧ .
- ١٨- همائی ، تاریخ ادبیات ایران ، ج ٢ ، ص ٧ .
- ١٩- کریستف ، سرچمه های داستان کوتاه فارسی ، ص ١٤ .
- ٢٠- استعلامی ، د.محمد ، بررسی ادبیات امروز ایران، ص ٧٣ .
- ٢١- کریستف ، سرچمه های داستان کوتاه فارسی ، ص ١٥ .
- ٢٢- ای،زند،میخائیل،نوروظلمت در تاریخ ادبیات ایران،ص٥٣.
- ٢٣- کریستف ، سرچمه های داستان کوتاه فارسی ، ص ١٥ .
- ٢٤- استعلامی ، د.محمد ، بررسی ادبیات امروز ایران ، ص ١٨ .
- ٢٥- کریستف ، سرچمه های داستان کوتاه فارسی ، ص ١٩ .
- ٢٦- میر صادقی ، قصه - داستان ، رمان ، ج ٢ ، ص ١٧٨ .
- ٢٧- آرین پور ، یحیی ، از صباتانیمما ، ج ١ ، ص ٢٣٣ .
- ٢٨- همان مأخذ ، ص ٢٣٥ .
- ٢٩- استعلامی ، د.محمد،بررسی ادبیات امروز ایران ، ص ٤٢ .
- ٣٠- آژند ، یعقوب ، ادبیات نوین ایران ، ص ٣٤٣ .
- ٣١- آل احمد،جلال،در خدمت و خیانت روشنفکران،ص١٣٤
- ٣٢- آژند ، یعقوب ، ادبیات نوین ایران ، ص ٤٣٤ .
- ٣٣- همان مأخذ ، ١٢٥ .
- ٣٤- آژند ، یعقوب ، ادبیات نوین ایران ، ص ١٣١ .
- ٣٥- سپانلو ، نویسندگان پیشرو ایران ، ص ١-١٢٠ .

- ٣٦- آژند ، يعقوب ، ادبيات نوين ايران ، ص١٣٣ .
- ٣٧- استعلامي ، د.محمد ، بررسي ادبيات امروز ايران ، ص٧٢ .
- ٣٨- احمدي ، احمد ، سيرسخن ، ص٤٥ .
- ٣٩- آرين پور ، يحيى ، از صباتانيمما ، ج١ ، ص٥٠ .
- ٤٠- مير صادقي ، قصه ، داستان ، رمان ، ص٧٤ .
- ٤١- براهني ، رضا ، قصه نويسي ، ص٣٢٣ .
- ٤٢- آژند ، يعقوب ، ادبيات نوين ايران ، ص١٣٢ .
- ٤٣- آرين ، پور يحيى ، از صباتانيمما ، ج١ ، ص٢٢٧ .
- ٤٤- براهني ، رضا ، قصه نويسي ، ص٥٢٠ .
- ٤٥- جمالزاده ، محمد علي ، تصوير فرهنگ ايراني ، ص١٧١ .
- ٤٦- همان مأخذ ، ص٥٤٣ .
- ٤٧- استعلامي ، د.محمد ، بررسي ادبيات امروز ايران ، ص٧٥ .
- ٤٨- آژند ، يعقوب ، ادبيات نوين ايران ، ص٧٥ .
- ٤٩- براهني ، رضا ، قصه نويسي ، ص٥٣٤ .
- ٥٠- کرمانی ، تاريخ بيداري ايران ، ص٢٩٠ .
- ٥١- مدني ، تاريخ معاصر ايران ، ص٨ .
- ٥٢- براهني ، رضا ، قصه نويسي ، ص٥٢٧ .
- ٥٣- استعلامي ، د.محمد ، بررسي ادبيات امروز ايران ، ص٨٤ .
- ٥٤- براون ، ادوارد ، تاريخ ادبيات ايران ، ص٤٨ .
- ٥٥- براهني ، رضا ، قصه نويسي ، ص٥١٧ .
- ٥٦- استعلامي ، د.محمد ، بررسي ادبيات امروز ايران ، ص٥٨ .
- ٥٧- آرين ، پور يحيى ، از صباتانيمما ، ج١ ، ص٣٩٠ .
- ٥٨- ملكيف،س،استقرار دكتاتورى رضا خان در ايران ، ص٢١٣ .
- ٥٩- همان مأخذ ، ص٢٩٦ .
- ٦٠- آرين ، پور يحيى ، از صباتانيمما ، ج٢ ، ص٢٩٥ .
- ٦١- همان مأخذ ، ص٢٩٦ .
- ٦٢- آژند ، يعقوب ، ادبيات نوين ايران ، ص٣٤٣ .
- ٦٣- بهار ، مهدي ، ميراث خوار استعمار ، ص٤١ .
- ٦٤- بهار،سبک شناس با تاريخ تطور نثر پارسي،ج٣،ص٣٢٨ .
- ٦٥- كريستف ، سرچشمه هاى داستان کوتاه فارسي،ص١٨ .
- ٦٦- آرين ، پور يحيى ، از صباتانيمما ، ج١ ، ص٣٤٢ .
- ٦٧- همان مأخذ ، ص٢٢-٣ .
- ٦٨- استعلامي ، بررسي ادبيات امروز ايران ، ص٢-٥٥ .
- ٦٩- آرين ، پور يحيى ، از صباتانيمما ، ج١ ، ص١٢٨ .
- ٧٠- آژند ، يعقوب ، ادبيات نوين ايران ، ص١٣٤ .
- ٧١- بهار،محمد تقى،تاريخ مختصر احزاب سياسى ايران،ص١٤١ .
- ٧٢- استعلامي،د.محمد ، بررس ادبيات امروز ايران ، ص٦٩

منابع و مأخذ

- ۱- آرين پور ، يحيى ، از صباتانما ، جلد اول چاپ هشتم ، انتشارات زدار ، تهران ، ۱۳۸۲ هـ . ش .
- ۲- آرين پور ، يحيى ، از صباتانما ، جلد دوم چاپ هشتم ، انتشارات زدار ، تهران ، ۱۳۸۲ هـ . ش .
- ۳- آزند ، يعقوب ، ادبيات نوين ايران ، انتشاران امير كبير ، چاپخانه سپهر ، تهران ، ۱۳۳۲ هـ . ش .
- ۴- آل احمد ، جلال ، در خدمت و خيانت روشنفكران ، دوجلد ، انتشارات خوارزمي ، ۱۳۰۷ هـ . ش .
- ۵- احمدي ، احمد ، سير سخن ، جلد اول ، چاپ طوسي ، مشهد ۱۳۴۵ هـ . ش .
- ۶- استعلامي ، د . محمد : بررسي ادبيات امروز ايران ، چاپ پنجم ، انتشارات امير كبير ، ۲۵۳۶ .
- ۷- استعلامي ، در محمد : بررسي ادبيات دوره بیداری و معاصر ، چاپخانه زر ، تهران ، ۱۳۶۳ . ۳۶۳
- ۸- ای، زندمیکائیل، نورد طلعت در تاریخ ادبیات ایران ، ترجمه ح . اسد پور پیرانفر ، چاپخانه کاوبان ، تابستان ۱۳۵۱ ش
- ۹- بالائی ، کریستف ، سرچشمه های داستانی کوتاه فارسی ، ترجمه احمد کریمی ، چاپ اول ، انجمن ایرانشناس فرانسا در تهران ۱۳۶۶ ش .
- ۱۰- براون ، ادوارد ، تاریخ ادبیات ایران ، جلد چهارم ، ترجمه رشید یاس ، تهران ، ۱۳۳۶ ش .
- ۱۱- براهنی ، رضا ، قصه نویسی ، چاپ سوم ، نشر نو ، تهران ، ۱۳۶۲ ش .
- ۱۲- بهار ، محمد تقی ، سبک شناسی با تاریخ تطور نشر پارسی ، جلد سوم ، تهران دیماه ۱۳۶۲ ش .
- ۱۳- بهار ، محمد تقی ، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران ، جلد اول ، چاپ سوم ، انتشارات امیر کبیر ، تهران ۱۳۵۷ ش
- ۱۴- بهار ، مهدی ، میراث خوار استعمار ، امیر کبیر ، تهران ، ۱۳۵۷ ش .
- ۱۵- جمال زاده ، محمد علی ، تصویر زن در فرهنگ ایرانی ، انتشارات امیرکبیر ، تهران ، ۱۳۰۷ هـ . ش .
- ۱۶- سپانلو، نویسندگان پیشرو ایران، چاپ سوم، تهران ۱۳۷۳ هـ، ش
- ۱۷- کرمانی ، تاریخ بیداری ، بخش اول ، ج ۱ ، انتشارات زوار ، تهران ، ۱۳۶۳ ش .
- ۱۸- مدنی ، تاریخ معاصر ایرانی ، ج ۱ ، انتشارات زره ، تهران ۱۳۶۴ ش .
- ۱۹- ملکيف ، س ، استقرار دیکتاتوری رضاخان در ایران ، انتشارات امیرکبیر ، تهران ، ۱۳۶۸ .
- ۲۰- میر صادقی ، قصه ، داستان ، رمان ، انتشارات زوار ، چاپ دوم ، تهران ۱۳۶۶ ش .
- ۲۱- همائی ، تاریخ ادبیات ایران ، ج ۱ ، انتشارات خوارزمي ، تهران ، ۱۳۷۱ ش .

نتیجه گیری

- (۱) ناصر الدین شاه چهارمین پادشاه سلسله قاجار در سال ۱۲۶۴ هـ . ق به سلطنت رسید و تا سال ۱۳۱۳ هـ . ق ، چند ماه کمتر از پنجاه سال ، بانهایت قدرت برکشور ایران فرمانروایی کرد .
- (۲) اندکی پس از جلوس او ، به سال تاریخی ۱۲۶۵ هـ . ق (۱۸۴۸ م) تحول عظیمی در تاریخ جهان به وقوع پیوست و تقریباً در سرتاسر کشورهای اروپایی انقلابات بزرگی رخ داد و هم در آن سال کارل مارکس مانیفست حزب کمونیست را انتشار داد . اما کشور ایران از این انقلابات و دگرگونیهای جهان به کلی برکنار ماند .
- (۳) اگرچه در چهار سال اول سلطنت ناصر الدین شاه برای کشور ایجاد گرفتاری کرد ، اما سرانجام بدست میرزا تقی خان امیر کبیر ، لایقترین مرد عهد جدید ایران ، پیشرفتی پدید آمد .

۴) در دوره سلطنت پنجاه ساله ناصر الدین شاه واز همان ابتدای کار او عوامل و موجباتی پدید آمد که مجموعاً و هریک به تنهایی در پیدایش اندیشه های آزادیخواهی مؤثر بودند .

۵) میرزا تقی خان امیر کبیر اصلاحات کرد مخصوصاً تأسیس دار الفنون در سال ۱۲۶۸ هـ . ق به ابتکار واهتمام او ودعوت آموز گاران خارجی جهت تقیم علوم جدید اروپایی به فرزندان ایران را نخستین قدم در این راه بشمارم .

۶) دوسفر سید جمال الدین افغانی به ایران در سالهای ۱۳۰۴ ، ۱۳۰۷ هـ . ق وتبلیغان دامنه دار او برضد استبداد و لزوم اصلاحات و کوشش پیروان وباران پرشور وی ، هرکدام در بیداری افکار ایرانیان اثرات قطعی داشتند .

۷) روشنفکران و آزادیخواهان ایران ، در خارج از کشور دست به قلم بردند و به وسیله روزنامه وکتاب به روشن کردن ذهن مردم وتربیت فکر آنان پرداختند.۸)تحولی که قائممقام و پیروان او در نثر فارسی پدید آوردند هرچند گرایشیه سادگی داشت،باز برهمان پایه های سبک قدیم نهاده شده بود ۹) ناصر الدین شاه خود اندکی به زبان فرانسه آشنا بود . ودر نتیجه مسافرتها ، از اوضاع وتمدن دنیای غرب تاحدی آگاهی یافته بود . نثر را خوب وساده می نوشت و نوشته هایش کمتر غلط داشت . سفرنامه های او به عتبات و خراسان و مازندران و اروپای غربی - خواه به قلم خود شاه نوشته شده باشد ، یابه فرمان او به قلم دیگران - از نثر ساده و طبیعی و بیتکلف بر خوردار است و ذوق و سلیقه ی نویسنده را در انشاء وپروراندن مطلب می رساند .

۱۰) کسانی که به فرنگ رفته بودند با ارمغانهایی از اندیشه های جدید غربی به کشور باز گشتند و بایشرفت فن چاپ ، کتب تاریخی و علمی و ادبی به فارسی و عربی منتشرشد .

۱۱) مدرسه دار الفنون بامساعی امیر کبیر ایجاد شد و معلمین اروپایی به کمک شاگردان ایرانی خود برای رفع احتیاج دانش آموزان ، کتب علمی و فنی ونظامی را به فارسی ترجمه کردند .

۱۲) این ترجمه ها وانتشارات مقالات در جراید چاپ ایران و خارجه و ورود کتب و رسالات نویسندگان ایرانی مقیم خارجه ، کوششهایی که پیراستن زبان از الفاظ غلیظ و ترکیبات ناهموار ، از مدتها پیش آغاز شده بود ، به ثمر رسید و نویسندگی منشیانه و پرقید وتکلف قدیم ، با آن سجعها و مراعات النظیرها واستشهاد به احادیث و اقوال بزرگان عرب و عجم ، در برابر سبل تجدد ، عقب نشست و جای خوادرا به نویسندگی ساده و روان وموجز و مفهوم داد . ۱۳) در دوره مشروطه واژه های عربی در نثر فارسی کاهشی آشکار دیده می شد . عبارتهای وصفی و آوردن صفت مفعولی به جای فعل ساده ، ناهماهنگی میان فاعل وفعل یانام وصغیر ، در نثر ساده و آشنای تازه نیز درستی وروانی طبیعی جای گرفت با اینحال نثرهای ادبیات از لغزشهای وستوری تهی نیست . ۱۴) بخوبی احساس می شدکه نویسندگان خودرا از مردم کوچه و بازار جدانمی دانند ، در نثر این دوره ، واقعیاتی از زندگی و مسائل گوناگون آن باز گفته می شد و نویسندگان می کوشیدند که چشم و گوش خواننده رابگشایند . ۱۵) آثار طنز ولطیفه های انتقادی در ادبیات این دوره افزایش می یابد ...

پوختە

لەگەڵ ھاتنی سەدەى نۆزدەھەم و دواى شىكست ھىنانى فەرمانەرەواكانى ئىران بەرامبەر بەپوسىيائى قەيسەرى، گەلى ئىران بەتايىبەتى لە بوارى ئەدەبىياتدا مەيلى ئەوھى لادروست بوو كەزىاتر نزيك بىيئەتەو لەگەلى ئەوروپى و ئەدەبى ئەوروپى ، يەككە لەوانەى كە ئەم مەيلى زياتر تيادا گەشەى كرد (ميرزاتەقى خان ئەمير كەبىر) بوو. ئەو كاتەى كە ناصرالدين شا لە سالى (١٨٤٨ ز) ھاتە سەرتەخت ، ميرزا تەقى خان بوو بە (صدر اعظم) كە يەككە بوو لە گەرە ترين پىفۆرمخوازە ئىرانىيەكانى سەردەمى خۆى كە ويستى جاكسانى لەفەرھەنگ و كەلتورى ئىرانيدا بكات ، ئەدەبىياتى پەخشانى نوێ فارسى يەككە بوو لە ھەنگاوە گرنگە كانى و جاكسانىيەكانى لەوبوارەدا دەست پىكرد . شۆپشى مەشروە زۆر بەزوويى لەژيانى ئەدەبى ئىرانيدا پەنگى دايەو و كۆمەلەكە لەنووسەران و شاعيران و ئازادىخوازان پەيوەنديان بە شۆپشەكەو كرد و لەرێى شۆپشەكەو مۆلەتيان پىدرا و توانيان بىنە ريزەو و دەست بكن بە كاروبارى پىكخراوھىيى خۆيان ، ئەگەر پىشتەر لە پىگەى رۆژنامەكانەو بەرھەمى خۆيان بڵاودەكردەو ئىتر لەدواى شۆپشەو بەرھەم ئەدەبىيەكان لە چوارچىوھى تەسكى چەند رۆژنامەيەكدا نەمايەو بگەرە لەرێگەى راگەياندى مەشروەو ئازادى چاپەمەنى برھوى پىدرا و ژمارەى رۆژنامە و گۆڤارەكان رووى لەزيادى كرد و بەدەيەھا رۆژنامە و گۆڤار لەتاران و تەبىز و پەشت و شارەكانى ترى ئىران بڵاو بوەو . لەبوارى پەخشانى فارسيدا ، (قائم قام) و شوينكەوتوان و دريژەپىدەرى (ميرزا تەقى خان) زۆر پەيدا بوون ، ھەرچەندە نووسىنەكانيان سادەيى پىئە ديار بوو بەلام وازيان لە پاىەكانى شىوازى كۆن نەھىنابوو ، ھەموو نووسەرەكانى ئەم سەردەمە بەشداريان كرد لە رۆشكردنەوھى بىروپاى خەلك و پىشخستنى زانست و رۆشنىيى . لەبوارى پىشخستنى چاپەمەنى و بڵاوكردنەوھدا ، كەسانىكى زۆر پەويان كردە فەرھەنسا بەئامانجى سوود وەرگرتن لە بىروباوھى تازەى پۆژشاوايى ، لەم بوارەدا توانيان كتيبيكى زۆر لە بوارەكانى ميژووى و زانستى و ئەدەبى بە فارسى و عەرەبى بڵاويكەنەو . (مدرسه دار الفنون) كە بەكۆششى (امير كبير) دامەزراوو ، يەككە بوو لە دامەزراو فەرھەنگىيەكان كە لە رېگەى مامۇستايانى ئەوروپى و بەيارمەتى قوتابيانى ئىرانى توانى پىداويستىيەكانى خویندكاران و وەرگىرپانى كتيبى زانستى و ھونەرى و ئەدەبى و سەربازى بۆخویندكارانى ئىران فەرھەم بكات . بىجگە لە (مدرسه دار الفنون) ، وەرگىرپانى چىرۆكە ميژوويەكان لەسەردەمى ناصرالدين شادا كە بە شىوازىكى سەركەوتوو كارمەكە ئەنجام دەدرا ، ئەم وەرگىرپانە لە تەواوى وڵاتى ئىراندا بڵاودەكرانەو ، بووھۆى ئەوھى كە خەلك بەشىوھەكى گشتى دوورىكەونەو لە دەستەواژەى ئارپك و ئەم نووسىنە بوونەھۆى لە دايك بوونى نووسىن بەشىوازىكى سادە و پوخت و لە شىوازى نووسىنى كۆن رزگاريان بىت و بەم جۆرە پەخشان پىشكەوت و ئاسان بوو لەلای خوینەرە ئىرانىيەكانەو .

ملخص

مرت كتابة الرواية في ايران بفترة السبات ، لأنها لم تلق عناية الدارسين والمؤلفين هناك ، وماجأت من تلك المؤلفات ماهي لإمحاوالات يتيمة ذهبت طي النسيان ، لأنّ الكتاب رغبوا عن كتابة الروايات الكبيرة ، لحل السبب يعود الى أنّ القراء لم يجدوا الفرصة الكافية لقراءتها ولم يعد يرحبو بهذا اللون من الروايات ، والأمر ينطبق على الرواية الأجنبية المترجمة أيضاً .

وفي المقابل نالت كتابة القصة القصيرة عناية المؤلفين والكتاب ، فإيدعوا في هذا المجال ، وألفوا نتاجات كثيرة التي كانت انعكاساً للقصة القصيرة المترجمة بصيغتها المعاصرة في القرن التاسع عشر في أوروبا .

وقد ازدهرت كتابة القصة القصيرة في إيران بأسلوبها الغربي وتحت تأثير القصة المترجمة ازدهاراً كبيراً ، منها رونقاً جديداً ، والفضل في ذلك يعود الى تأثير الثقافة الغربية على أدبيات الكتاب والمثقفين الإيرانيين .

والازدهار الذي أصاب القصة القصيرة ، جعل منها تنضج بسرعة وتستجيب للتجديد ، وهذا أدى إلى إهمال القديم ، وعرض نماذج جديدة من القصة القصيرة ، أثارت اهتمام المثقفين والكتاب الإيرانيين الذي كانوا يرغبون عنها ، وبالتالي صرفت اهتمام الطبقة المثقفة عن الرواية ، خصوصاً وأن طباعة القصة القصيرة أسهل من الرواية التي كانت ذاهجم كبير .

ومن الذي أيدعوا في كتابة القصة القصيرة في اطارها الجديد الكاتب والقصص (ميرزا حبيب الاصفهاني) الذي كان سباقا في إخراج القصة القصيرة بحلّتها الجديدة على نحو مصطلحات وأداب و رسوم بشرية بديعة ، نذكر منها قصة (باباي اصفهاني) أمّا (محمد جمال زاده) الذي يعدّ في طليعة الكتاب الإيرانيين الذين كتبوا بجديّة و رغبة ، وعملوا على صناعة القصة الأوربية ، وكتب أول قصة قصيرة فارسية بعنوان (يكي بود يكي نبود) .

Abstract

With the beginning of the 19th century ,and the aftermath of losing the war against Czarist Russia, the Iranians found themselves tending towards Europe especially in literature. One of the prominent literary figures of this tendency was Mirza Taqi Khan, who became the prime minister when Nasiriddin Shah came to power in 1848.

Taqi Khan was liberal and interested in making reforms in the education and traditions of the Iranians. He focused on modern prose specifically.

The institutional revolution has had a great effect on Iranian literature as a number of liberal writers and poets joined the revolution. Later, these liberal have been given the chance to organize their efforts and work in harmony. Thanks to modern printing machines, they found vast spaces in newspapers and magazines for their literary products in big cities like Tehran, Rasht, Tabriz, and others.

Taqi Khan's creativity in Persian prose writing was continued by Qaemqam and other followers, who, despite the simplicity of their styles, were able to expand the horizons of the society's thoughts and make the wheels of science and education go forth. Besides, many intellectuals and writers went to France to be acquainted with the update thoughts and currents there. They published a great number of books in history, literature, and sciences in both Persian and Arabic languages.

Dar al-Funoon school, which was established by Ameer Kabeer, was an educational institution that could meet, with the help of European teachers, the needs of the readers and students as well as translate many scientific, technical, military and literary works. Apart from this school, in the era of Nasiriddin Shah, a number of historical fictions were translated in such an attractive and simple style that spread well all over the country. Actually, this sort of simple style elicited simplicity in writing and getting rid of traditional complicated ones. In this way, the prose products developed and became within the reach of Iranian readers in terms of imagination and comprehension.